

آسیب شناسی کاهش اختیارات ضابطین در آیین دادرسی کیفری (موردی استان کرمان)

زهرا انجم شعاع^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: ضابطین دادگستری نقش مهم و قابل توجهی در دست یابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هر چه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند. هدف این تحقیق شناخت نقش ضابطین دادگستری در تأمین نظم و امنیت و بررسی آسیب شناسی کاهش این نقش، به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که اهمیت وجودی ضابطین دادگستری در نظام قضایی کشور ما چیست و در صورت کاهش اختیارات ضابطین دادگستری چه آسیب‌هایی متوجه نظام عدالت کیفری خواهد شد.

روش: روش به کار رفته در این تحقیق از لحاظ ماهیت کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است. این تحقیق ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است که در روش کتابخانه‌ای، ابزار جمع‌آوری اطلاعات فیش برداری از منابع معتبر داخلی و خارجی می‌باشد. پس از مطالعه و بررسی کتب، مقالات و قوانین و آیین‌نامه‌ها خصوصاً قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین بررسی‌های میدانی از طریق تنظیم پرسشنامه و پاسخگویی آن توسط ۵۲ نفر از کارشناسان قضایی نیروی انتظامی کرمان به عنوان ضابط عام و تحلیل‌های آماری از طریق نرم افزار SPSS ویراست ۲۲ است.

نتیجه: نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد در صورت کاهش اختیارات ضابطین، نظم و امنیت جامعه مخدوش گردیده و شأن دستگاه قضا به منزله نمادی از دادخواهی و اجرای عدالت حفظ نخواهد شد و به کرامت انسانی افراد لطمه وارد می‌سازد.

واژگان کلیدی: ضابطین دادگستری، ضابط عام، ضابط خاص، تکالیف و اختیارات، قانون آیین

دادگستری ۱۳۹۲.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران. (نویسنده مسئول): تلفن: ۰۹۰۲۹۱۵۱۱۰۴ -- ch.nimrokh@gmail.com

بیان مسئله

برای اینکه اصل قانونی بودن حقوق کیفری رعایت شود و همچنین تضمین مصالح فردی و اجتماعی لازم است سازمانی متشکل از نیروی انسانی ورزیده و آشنا به حقوق افراد و جامعه به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی پدید آید. بدون تردید نیروی انسانی یکی از مؤلفه‌های مهم در ارتقای سطح کمی و کیفی فرآیند رسیدگی به جرم است. بدون وجود نیروی انسانی آموزش دیده، متخصص و ماهر، امکان فراهم ساختن عدالت کیفری مناسب و توسعه قضایی لازم در کشور امکان پذیر نمی‌باشد. ضابطین قضایی، بخشی از نیروی انسانی دستگاه عدالت کیفری محسوب می‌شوند که وظیفه آن‌ها انجام یکی از مراحل مهم رسیدگی به جرم که همان کشف جرم است می‌باشد. ضابطین ایزاری جهت اجرای قانون هستند. هرگاه نظم و امنیت جامعه به خطر افتد، ایزاری لازم است که مجازات را اعمال کند و برای متجاوزین ضمانت اجراهای پیش بینی شده را اجرا نماید. ضابطین مردم را برای پیروی از قانون کنترل نموده و اگر تخطی از قانون توسط افراد سر بزند با اجرای قانون از عمل مهاجم جلوگیری می‌کند.

قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین را اینگونه تعریف می‌کنند: ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند. آنچه مسلم است اولین برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی، توسط ضابطین صورت می‌پذیرد و به عقیده متخصصان علوم جرم یابی، چنانچه این برخورد اولیه، توأم بادقت، هوشیاری، نکته سنجی و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاد خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده بیشترین ادله او برای تصمیم گیری است به سبب سستی

دلایل و مدارک جمع آوری شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این رهگذر، اهداف مجازات حاصل نمی‌شود و نتیجه آن بی‌عدالتی خواهد بود. ضابط قضایی باید نسبت به حدود آزادی‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازات‌ها برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و تضمین مصالح فردی و اجتماعی آشنا باشد که اگر نیروی ضابط اینگونه نباشد نمی‌تواند وظیفه سازمانی خود را بصورت کامل انجام دهد. هرگاه نظم و امنیت جامعه به خطر افتد ابزاری لازم است که مجازات را اعمال کند و برای متجاوزین ضمانت اجراهای پیش بینی شده توسط قوه مقننه را اجرا کند. پس در نتیجه دو دلیل مهم می‌توان برای علل پیدایش ضابطین آورد: اول اینکه افراد را برای پیروی از قانون کنترل می‌کنند و ثانیاً اگر تخطی از قانون توسط افراد سر زد با اجرای قانون از کار مهاجم جلوگیری کنند. ایجاد امنیت، برقراری عدالت، نظم و انضباط اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم و شناسایی عوامل و بسترهای زمینه ساز بروز جرم، ایجاد امنیت اخلاقی و افزایش ضریب اطمینان و اعتماد آحاد جامعه در گرو تعامل مثبت ضابطین دادگستری با قوه قضایی می‌باشد و کشور در سایه این همکاری تنگاتنگ شاهد رفع بسیاری از مشکلات و معضلات قوه قضاییه و کاهش آمار جرایم، توسعه و بسط عدالت قضائی، ممانعت از اطاله دادرسی، حفظ حقوق شهروندی و در نهایت برقراری آرامش و امنیت به عنوان هدف نهایی خواهد بود که البته در صورت کاهش اختیارات ضابطین دادگستری هیچ یک از این آمال برآورده نخواهد شد. و شأن دستگاه قضا به منزله نمادی از دادخواهی و اجرای عدالت حفظ نخواهد شد و به کرامت انسانی افراد لطمه وارد می‌سازد؛ لذا هدف این تحقیق بررسی نقش ضابطین دادگستری در ایجاد نظم و امنیت اجتماعی همچنین بیان آسیب شناسی کاهش اختیارات ضابطین دادگستری و اثرات منفی آن در سیستم قضایی

کشور و تبیین تمهیدات لازم در جهت هماهنگ سازی تکالیف و اختیارات ضابطین دادگستری با مسئولین قوه قضائیه است.

پیشینه و مبانی نظری

ضابطین دادگستری: ضابط، لفظی عربی از ریشه ضبط به معنی نگهداری کردن است، در فرهنگ فارسی معانی مختلفی دارد، از جمله به معانی فراهم آورنده، نگهدارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آنرا از طرف سلطان بس باشد، شحنه، یکی از صفات حق تعالی (دهخدا، ۱۳۸۸: ج ۳۱: ۱۱) همچنین به معنای حفظ کننده، حاکم، قائد، قوی، مردباهش، ضباط (عمید، ۱۳۸۴: ۸۳۳) پلیس، پاسبان اداره شهربانی (سیاح، ۱۳۸۹: ۵۴۵) محفوظ دارنده، کارگزار، رئیس انتظامات شهر، محصل مالیات، ممیز مالیات و مباشر (انصاف پور، ۱۳۸۰: ۶۵۷).

معادل این واژه در فرهنگ لاتین به معنی ضابط، مأمور اجرای امین صلح یا قاضی، ناظر و نگهبان دژهای سلطنتی، مأمور اجرای دادگاه بخش، معاون کلانتر (به معنایی که در کشورهای غربی از آن استفاده می شود) می باشد. (حییم، ۱۳۸۰: ۵۸)

در ادبیات پارسی واژه‌هایی چون « شحنه، قراول، امنیه، مأمور، دادبان، دادبک، شهربان، شرطه، کمیسر، کلانتر، ضابط، پلیس، ژاندارم، و اخیراً بسیج، پاسدار و... » هر کدام در مقطع خاصی از زمان رایج بوده و در حال حاضر عمده این واژه‌ها اعتبار و استحکام خود را از دست داده است و در متون حقوقی جدید بجای آن‌ها از کلمه مخصوص «ضابط» به معنا و مفهومی که لغت و اصطلاحاً معترض آن هستیم استفاده و ارائه مقصود می شود (قاسم پور، ۱۳۸۷: ۴۰)

ضابطین دادگستری در اصطلاح حقوقی: در مباحث ترمینولوژی حقوق پیرامون اصطلاح «ضابط» چنین آمده است: «بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به عنوان اداره ناحیتی تأسیس و رئیس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضابط یا مباشر می‌گفتند که به تصویب نایب الحکومه و امضاء حاکم ولایت به سمت خود منصوب می‌شد و کدخدایان دهات تابع او بودند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها به عهده ضابطان بود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۰۴۲ و ۳۳۰۲)

«ضابطین دادگستری» مامورانی هستند که تحت تعلیم مقامات قضایی ذیصلاح به منظور پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرم و تحقیق و بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و ادله جرم و دستگیری و مراقبت و ملازمت و بدرقه مظنونین، متهمین، مرتکبین، مجرمین و محکومین به ارتکاب جرایم و جلوگیری از فرار و اختفای آن‌ها برابر مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند. (قاسم پور، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۵).

ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری: ضابطین دادگستری یا پلیس قضایی مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی و انقلاب یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم، حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم بموجب مقررات قانون اقدام می‌کنند. ماده ۱۹ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ از این افراد با عنوان ضابطین عدلیه یاد کرده بود که ضابطین دادگستری را چنین تعریف کرده بود: «ضابطین عدلیه عبارتند از مامورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف و جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید بعمل آید.» (آخوندی، ۱۳۹۰: ۲۵). در اصطلاح حقوقی ضابطین مامورینی هستند که در حدود مقررات قانون دادرسی مکلف به بازجویی و تحقیق، گردآوری مدارک و

دلایل جرم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تعقیب قانونی او می‌باشند (قاسم پور، ۱۳۹۰: ۱۵).

آیین دادرسی کیفری: آیین به معنای شیوه، روش است. دادرسی کیفری یعنی رسیدگی به پرونده‌ای که ناشی از جرم است. بنابراین آیین دادرسی کیفری روش‌های رسیدگی به پرونده‌های کیفری را می‌آموزد. همچنین به معنی عام شامل کلیه ترتیبات و قواعدی که در زمینه کشف جرم، تحقیق و تعقیب آن و اجرای حکم کیفری وضع شده است. و به معنی خاص فقط قواعدی که در دادرسی‌های جزایی از زمان صدور کیفرخواست تا تاریخ صدور حکم قطعی در دادگاه باید رعایت شود را شامل می‌شود. چون دادرسی به مرحله دادگاه محدود می‌شود و دادسرا را شامل نمی‌شود. (رضوی، ۱۳۹۲: ۲۷). بنابراین آیین دادرسی کیفری مجموعه قواعد و مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، راه‌های اعتراض به آراء سازمان قضایی، اجرای آرای قضایی، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع شده است.

دادگستری: نیز در لغت به معنای وزارتخانه یا اداره که به امور خصوصی رسیدگی می‌کند و سابقاً عدلیه می‌گفتند، بیان شده است. (دهخدا؛ ۱۳۳۷: ۲). همچنین دادگستری در لغت به معنی اجرای عدالت است و در اصطلاح اسم وزارت خانه‌ای است که در معیت قوه قضاییه انجام وظیفه می‌کند. (جعفری لنگرودی؛ ۱۳۸۸: ۲۷۹).

پیشینه تاریخی ایجاد نهاد ضابطین دادگستری

برای شناخت ضرورت وجود ضابطین دادگستری به عنوان یک نهاد تأمین کننده نظم و امنیت در همه جوامع می‌بایست به تاریخچه ایجاد این نهاد توجه نمود. در صورتی که تمایل داشته باشیم در جامعه‌ای قانون و قانون‌گرایی حکمفرما باشد، می‌بایست مجریان قانون و نهادهای کنترلی - نظارتی بر روند اجرای قوانین در کشور پیش‌بینی‌های دقیقی داشته باشند. در غیر این صورت، نقض هنجارهای قانونی در طول زمان، چه بسا تبدیل به هنجاری متعارف در جامعه گردیده و قوانین یاد شده نیز، عملاً در زمره‌ی قوانین متروک قرار می‌گیرد.

«پیشینه‌ی تاریخی ملل مختلف و کشف آثار و کتیبه‌های معروف مرتبط با کوروش کبیر، قانون‌نامه‌ی حمورابی، نامه‌ی تنسر و غیره، همگی حاکی از حاکمیت قانون و وجود مقامات قضایی و تشکیلات و سازمان‌های انتظامی در ادوار مختلف تاریخ بشر است. زیرا، از آنجا که وجود یک ساختار و تشکیلات دادرسی، فارغ از وجود قوانین و مقررات و نیز، مراجع اجرایی - انتظامی، فاقد مفهوم است؛ لذا، از آغاز تحولات تمدن بشری، اشکال ابتدائی سازمان‌های انتظامی و مسئول حفظ نظم و امنیت و برخورد با ناقضین هنجارهای قانونی وجود داشته‌اند» (مرادی، خاکپور، ۱۳۹۴: ۳۴۵)

با توجه به اینکه جامعه‌ی فاقد امنیت که در آن، شهروندان احساس امنیت ندارند و ترس از جرم و بزه‌دیدگی، زندگی اجتماعی آنان را با اشکال و اخلال مواجه ساخته است، نشان دهنده نبود سازمانی منسجم و قدرتمند برای اجرای قانون در آن جامعه است و ایجاد امنیت و احساس آسایش عمومی در جامعه، در گرو پیش‌بینی و آموزش نیروهای کنترلی و نقش‌آفرینی آنان در اجتماع است؛ بنابراین، در دنیای کنونی، نظام‌های حقوقی جدید، در جهت تحکیم پایه‌های حاکمیت خویش و ارتقای اقتدار ملی و تداوم حیات سیاسی -

اجتماعی خویش، نیروهایی را تحت عنوان «ضابطان دادگستری» استخدام نموده و آموزش‌های لازم را به آنان ارائه می‌دهند. در واقع، دلیل پیدایش «ضابطان قضایی و غیرقضایی» را باید در مسئله‌ی ضرورت تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی، از مسیر نظارت کنترلی بر روند اجراسازی احترام متقابل نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی مطالعه و بررسی نمود. بین نحوه نقش‌آفرینی ضابطان دادگستری و تضمین و احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندان، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و انجام وظیفه به نحو مطلوب از ناحیه‌ی ضابطان یاد شده، بسترساز تضمین حقوق شهروندی است. وظایف ضابطان دادگستری بر دو دسته‌ی «وظایف قانونی» و «وظایف قضایی» دسته‌بندی می‌گردند.

جامعه‌ی امروزی هم زمان با رشد علوم و فنون ارتباطی - رایانه‌ای که خط‌مشی دهنده‌ی اصلی اکثریتِ فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... است و تمامی جنبه‌های زندگی بشری را در بر گرفته است، نیاز به تدوین سیاست‌قضایی متناسبی دارد که مبتنی بر آموزش‌دهی علوم و فناوری‌های نوین به ضابطان دادگستری باشد و نظام ادگه‌ی اثبات در امور کیفری را، به سمت و سوی تبعیت از نظام ادگه‌ی علمی سوق دهد.

در صورتی که در این سیستم از ضابطانی متخصص و ورزیده و کاردان بهره‌مند شویم و همچنین میان پلیس قضایی، انتظامی و اداری تفکیک حاصل شود، در این صورت می‌توان امیدوار بود تا از تضييع حقوق افراد درگیر در فرایند دادرسی‌های کیفری (مظنونان، متهمان و بزه‌دیدگان، شهود و مطلعان) پیشگیری نمود و از اطاله‌ی دادرسی در امور کیفری، به جهت ارتقای سطح دقت نظر در انجام وظایف ضابطان دادگستری و تحقیقات مقدماتی، کاست. «احترام به کرامت انسانی شهروندان و اصل برائت و ضرورت پایبندی به اصول حقوق بشری، مستلزم آن است که افرادی که شغل آن‌ها با آبروی مردم در ارتباط است، از

تخصّص لازم بهره‌مند بوده تا نهایتاً دانش و تخصّص ناکافی آنان، موجبی برای پیمال‌سازی حقوق شهروندی افراد قرار نگیرد» (مرادی، خاکپور، ۱۳۹۴: ۳۵۲)

به عقیده جامعه شناسان، جوامع بشری از آغاز ایجاد تاکنون مراحل مختلفی را گذرانده اند در طی این مدت یا به تکامل رسیده اند یا در میانه راه از پیشرفت بازمانده اند، به همین دلیل نتوانسته اند با ایجاد سازمان های متناسب انتظامی با سیر قهری و دگرگونی های اجتماعی، خود را حفظ کنند. پس ناگزیر در طوفان های تاریخی محو شدند.

«امنیت اجتماعی بخشی از مفهوم امنیت ملی است. امنیت ملی نتیجه وجود نظم اجتماعی است و این دو مقوله لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه بدون نظم فاقد امنیت است و نبود امنیت حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی سازمان یافته، مقتدر و مسلط بر اوضاع است.

تحقق امنیت ملی و نظم اجتماعی به هیچ وجه میسر نمی شود مگر آنکه افراد جامعه با آگاهی کامل از حدود آزادی ها و ممنوعیت های قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازات ها برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و تضمین مصالح فردی و اجتماعی، سازمانی متشکل از نیروی انسانی ورزیده و مجرب و آشنا به حقوق فرد و جامعه به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی پدید آورد. جامعه ای که فاقد نیروی کنترل کننده باشد طبعاً نمی تواند امنیت و آسایش شهروندان را پاسداری کند». (عباسلو، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

بنابراین در بیان علل پیدایش این نهاد می توان گفت: نظم اجتماعی اقتضا پیدا می کند که نیروی — برای کنترل آن وجود داشته باشد. تنها قوه مقننه نیست که با وضع قوانین نظم اجتماعی را تامین می کند، بلکه قبل از وضع قوانین، بایستی نیروی برای کنترل نظم وجود داشته باشد. ضابطین ابزاری جهت اجرای قانون هستند. هرگاه نظم و امنیت جامعه به خطر افتد ابزاری لازم است که مجازات را اعمال کند و برای متجاوزین ضمانت اجراهای پیش بینی شده را اجرا نماید. پس در نتیجه دو دلیل مهم می توان برای علل پیدایش ضابطین

دادگستری آورد: اول اینکه ضابطین دادگستری مردم را برای پیروی از قانون کنترل می‌کنند، ثانياً اگر تخطی از قانون توسط افراد سر زد با اجرای قانون از کار مهاجم جلو گیری می‌نمایند.

ضابطین قضایی و غیر قضایی

در قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص طبقه بندی ضابطین دادگستری قاعده‌ای وجود ندارد؛ لذا بنا به اعتبار رابطه استخدامی و شرح وظایف مربوطه می‌توان آن‌ها را به دو گروه ضابطین قضایی و ضابطین غیر قضایی تقسیم کرد.

- **ضابطین قضایی:** ضابطین قضایی کسانی هستند که علی‌رغم داشتن ابلاغ و پایه قضایی، وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری را دارا بوده و عموماً کارکرد آن‌ها در سیستم دادرسی است ضمن آنکه ضابطین دادگستری (غیرقضایی) تحت تعلیم آن‌ها می‌باشند. مانند دادستان، بازپرس و دادیار. این افراد در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از اعداد ضابطین خارج شده‌اند. (قاسم پور، ۱۳۹۰: ۴۷).

- **ضابطین غیر قضایی:** ضابطین غیر قضایی مامورینی هستند که فاقد ابلاغ و پایه قضایی و وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی و اداری کشور که به سبب نوع وظیفه و مسئولیتی که دارند در حدود مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند. بر مبنای این تعریف ضابطین غیر قضایی دو دسته اند: ضابطین اصلی (عام) و ضابطین تبعی (خاص) (قاسم پور، ۱۳۹۰: ۵۰، آشوری، ۱۳۹۱: ۱۳۶، ترابی، ۱۳۹۰: ۶۸).

ب) ضابطین عام، خاص و نظامی

ضابطین دادگستری را به سه دسته عام، خاص و نظامی تقسیم کرده‌اند که از بین آن‌ها ضابطین عام و خاص را بررسی می‌کنیم:

- **ضابطین عام:** آن دسته از ضابطین که وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند کلی و عام است و شرایط خاصی برای دخل و تصرف در جرایم برای آنان وجود ندارد. یابه عبارت دیگر ضابطین عام ضابطینی هستند که در مورد کلیه جرایم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست. قانون در تعریف ضابطین ساکت است اما برخی عقیده دارند: ضابطین عام افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرائم را دارند مگر آنچه که قانون منع کرده است. (ترابی، ۱۳۹۰: ۶۸)

بند الف ماده ۱۵ ق. آ. د. ک فرمانده هان و افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی رایکی از ضابطین دادگستری اعلام می‌کند. (کارکنان وظیفه ضابطین دادگستری محسوب نمی‌شوند)، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.

ضابطان دادگستری بر اساس تکالیف و اختیاراتی که دارند باید آموزش‌های لازم در این زمینه را طی کرده باشد و قانون با پیش بینی این موضوع قلمرو ضابطان عام رابه کارکنان آموزش دیده نیروی انتظامی محدود کرده است. و از این رو به نقدی که در باره شناسایی کلیه کارکنان نیروی انتظامی به عنوان ضابط وارد شده است پاسخ گفته است.

بنابراین ضابطین عام افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند مگر آنچه را که قانون منع کرده است که شامل نیروهای انتظامی می‌شود.

ماده ۱۹ قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰ چهارگروه از ضابطان عام را به شرح زیر احصا کرده بود:

(۱) مدعی العموم ابتدایی (دادستان عمومی) و معاونان او (دادیاران)

(۲) مستنطق (بازپرس)

۳) کمیسره‌های پلیس (کلانتران) و قائم مقام آنان.

۴) صاحبان مناصب (افسران) و روسای بریگاد (تیپ) ژاندارم. (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

با تصویب قانون تشکیل نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷) و به استناد بند ۸ ماده ۴ آن، وظایف پلیس و ژاندارمری بر عهده نیروهای انتظامی (فرماندهان حوزه‌ها و پاسگاه‌های نیروی انتظامی و قائم مقام آنان و ماموران اداره آگاهی) به عنوان ضابط قوه قضاییه نهاده شده است. بدین ترتیب، وظایف و اختیارات پلیس و ژاندارمری، به عنوان ضابط عام، به نیروهای انتظامی محول گردیده که این وظایف و اختیارات در سلسله مراتب فرماندهی، در نهایت به فرماندهان یگان‌ها نیز تسری می‌یابد. با این همه، سربازان وظیفه که در پاسگاه‌ها و حوزه‌های انتظامی مشغول خدمت می‌باشند، ضابط قوه قضاییه محسوب نمی‌شوند. ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در بند ۱ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را در رأس ضابطان احصا کرده است (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

نیروی انتظامی سازمانی مسلح تابع فرماندهی کل قوا (فرمانده نیروی انتظامی هم منصوب فرمانده کل قوا است) و وابسته به وزارت کشور است. هدف از تشکیل نیروی انتظامی استقرار نظم و امنیت در قلمرو کشور می‌باشد. وظایف آن در همین قانون در ماده ۴ و مشتمل بر ۲۶ بند احصاء شده است. همچنین از جهت دو وظیفه پیشگیری از جرم (که متضمن استقرار امنیت در داخل کشور است) و تعقیب جرایم بازوی اجرایی قوه قضاییه می‌باشد.

وظایف قضایی نیروی انتظامی و در مقام ضابط بودن، شامل مواردی است که در قالب بند ۸ از ماده ۴ قانون موصوف آمده اند: الف- مبارزه با مواد مخدر. ب- مبارزه با قاچاق، ج- مبارزه با منکرات و فساد، د- پیشگیری از وقوع جرم، ه- کشف جرایم، و- بازرسی و

تحقیق، ز- حفظ آثار و دلایل جرم، ح- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آن‌ها. ط- ابلاغ و اجرای اوراق و تصمیمات قضایی

- **ضابطین خاص:** ضابطین خاص، ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آن‌ها محدود به جرائم خاص یا شرائطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند و یا به عبارتی باید گفت که ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و ضابطین خاص دخالت و اقدام ضابطین عام را محدود یا نفی نمی‌کنند. مطابق ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، احراز عنوان ضابط دادگستری، که علاوه بر تشکیلات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، افراد زیادی خارج از این نیروها را نیز در برمی‌گیرد، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابط دادگستری است. به منظور ایجاد ساختار مناسب و کنترل‌های قانونی پیش‌بینی شده برای نظارت بر عملکرد ضابطان دادگستری، «دادستان مکلف است که به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید». (تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

طبق بند ب ماده ۲۹ ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند از قبیل:

روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان: در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تصویب گردید و وظایف سازمان در ماده ۳ به این ترتیب معین گردید.

اداره کلیه امور مربوط به زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و مؤسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی وابسته به آن‌ها چنانچه جرمی در داخل زندان توسط زندانیان واقع شود وفق ماده ۱۷۲ فصل ششم تخلفات و تنبیهات داخل زندان موضوع آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۸۰ قوه قضاییه (لازم الاجراء از تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۸۰) با اصلاحیه‌های بعدی، رئیس یا معاونت قضایی زندان با توجه به دلایل قانونی موظف هستند تا ضمن تهیه گزارش مراتب را جهت رسیدگی به مقامات قضایی ارائه و تا حصول نتیجه قضیه را پیگیری نمایند. نکته‌ای که قابل توجه و امعان نظر می‌باشد، این است که اگر زندانی در حال مرخصی یا اعزام به دادگستری یا بیمارستان یا سایر اماکن دیگر طبق دستور قبلی از مبادی ذیصلاح باشد در این موقعیت مرتکب جرمی شود در این صورت ضابطان عام دادگستری صلاحیت رسیدگی جهت پیگیری موضوع مطروحه را پیدا خواهند کرد. (سلطانی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۰). که ضابط خاص دادگستری عبارتند از: ۱). مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند. مانند مواردی که قوای نظامی در سال‌های اخیر ماموریت تعقیب قاچاقچیان مواد مخدر را در مرزهای شرقی و جنوبی کشور پیدا کردند. ۳- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

ضرورت و جایگاه حقوقی ضابطین دادگستری

دستگاه قضایی کشور در راستای تحقق بخشیدن به مفاد اصل ۱۵۶ قانون اساسی به ویژه بند چهارم این اصل « کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیز مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» علاوه بر قوانین خوب پیشرفته به یک نیروی مستعد و کارآمد در جهت کشف و تحقیق جرایم و کلیه اقدامات مرتبط با این امر از قبیل «حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهمان» نیاز دارد که در حال حاضر به موجب قانون، نیروی انتظامی به عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه (ضابط عام دادگستری) چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد.

از آنجایی که انجام اینگونه وظایف با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و نظم عمومی جامعه و نیز به نوعی با مفاد اصل ۲۲ قانون اساسی مرتبط می‌باشد. ضرورت دارد که یک پلیس قضایی ورزیده، آگاه، تعلیم دیده و مسلط بر وظایف و مقررات عهده دار چنین مسئولیت حساسی باشد تا از این رهگذر، حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع افراد جامعه بدون هیچ گونه عذر و بهانه‌ای محترم شمرده و مراعات گردد.

اجرای وظیفه کشف جرایم به جهت اهمیتی که در سلسله اقدامات مربوط به نهاد دادرسی دارد، همواره مورد توجه مسئولان امر بوده است، بطوری که به محض وقوع ساده ترین جرم در سطح جامعه، بلافاصله همه نگاه‌ها به سمت مرجع کشف جرم جلب شده و توقع کشف جرم واقع شده را در حداقل زمان ممکن دارند اقدامات و فعالیت‌های قضایی سایر مراجع کیفری تا حدود بسیار زیادی به نحوه کارکرد این مرجع وابسته است و فعالیت مراجع مزبور جهت رسیدگی به جرایم و اجرای احکام، زمانی شروع می‌گردد که این مرجع، وظیفه جرم یابی خود را با تکنیک‌ها و تاکتیک‌های روزآمد و اصول پلیس علمی انجام داده باشد و کوچکترین ضعف، نقص و بی‌توجهی در این مرحله از اقدامات کشف

جرایم برابر تجارب موجود، به هیچ وجه قابل جبران نبوده و در خاتمه رسیدگی قضایی مشهود می‌باشد، به طوری که در اکثر اوقات، ابهامات و پیچیدگی‌های بزرگی در روند رسیدگی به موضوع بوجود می‌آورد که در نهایت منجر به فرار مجرم از چنگال عدالت و بلامجازات ماندن وی می‌شود.

شاید بتوان گفت: منشأ تمام بی‌نظمی‌ها و هرج و مرج‌های اجتماعی، بلامجازات ماندن مجرمان در اثر کشف نشدن جرایم و عدم اثبات آن در مراجع قضایی و موفق به فرار شدن مجرمان از چنگال عدالت، نهفته است. ضرورت وجودی ضابطین دادگستری به عنوان مرجع کشف جرایم که یکی از موضوعات بسیار مهم حقوق جزایی شکلی می‌باشد. تا آنجا که گفته شده است: «... به تجربه ثابت شده است آنچه موجب اصلاح جامعه و ارباب مجرمیت می‌گردد شدت مجازات نبوده بلکه پلیس قضایی و ورزیده و قضات متخصص هستند که هر نوع جرم را کشف و فاعل آن را به مجازات می‌رسانند، بطوری که هیچ مجرمی بدون مجازات نمانده و هیچ بی‌گناهی گرفتار عقاب نگردد که این امر وظیفه اصلی و هدف نهایی حقوق جزای شکلی - آیین دادرسی کیفری است». (هدایتی، ۱۳۸۸: ۳).

پیشینه نظری

- پورحسینی، عبداللهی، (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «نقش ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» بیان داشته: برخلاف قانون قدیم دیگر هر نیرویی صالح برای مقام ضابط قضایی نمی‌باشد بلکه بایستی نیروهایی را ضابط قلمداد کرد که آموزش‌های لازم را دیده باشند همچنین در قانون جدید حدود و اختیارات ضابطان در جرایم مشهود، اعتبار اقدامات ضابطان در این جرایم پس از حضور مقام قضایی تفکیک و

وظایف اداری از وظایف قضایی ضابطان، ضمانت اجرای عدم یادآوری حقوق متهمان و مظنونان از جمله مواردی است که تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی بدان پرداخته‌اند.

- شامبیاتی، و پروینی. (۱۳۹۳)؛ در تحقیقی با عنوان «تخصصی کردن ضابطین گاهی به سوی حقوق کیفری قراردادی» با بیان تعریف و اهداف حقوق کیفری قراردادی با عدالت توافقی، دلایل ضرورت تخصصی کردن ضابطین را برای تحقق آن ذکر می‌کند و سپس بصورت کاربردی، نحوه بازنگری در ساختار ضابطین و تخصصی کردن آنان را با ذکر اقسام ضابطین و اشکالات موجود در شرایط کنونی بیان کرده است.

- فتحعلیان، (۱۳۹۳)؛ در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش ضابطین و ارتباط آن با مراجع قضایی در پیشگیری از وقوع جرم»، نویسنده ضابطین را از جمله نهادهای اجتماع می‌داند که می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بزه دیدگی ایفا کنند. با توجه به اینکه پیشگیری از وقوع جرم یکی از وظایف اساسی ضابطین است و ایشان مجری سیاست جنایی پیشگیرانه می‌باشند، نقش غیرقابل انکاری در گسترش عدالت قضایی ایفا می‌کنند.

- مهابادی، (۱۳۸۹)؛ در تحقیقی با عنوان «ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران»، بیان داشته: از جمله عوامل متعددی که در تشکیل پرونده کیفری دخالت دارند، ضابطین دادگستری به عنوان یکی از مهم‌ترین این عوامل محسوب می‌شوند شناخت حقوق و تکالیف این دسته از مأمورین، در نحوه قضاوت مراجع درباره عملکرد آنان نقش قابل توجهی دارد.

- اکبری، (۱۳۹۰)؛ در تحقیقی با عنوان «نقش دادستان در تحقق دادرسی منصفانه با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، بیان داشته: دستگاه متولی اجرای عدالت کیفری زمانی می‌تواند عدالت و امنیت قضایی افراد را تأمین کند که مراجع قضایی در اجرای وظایف قانونی خود به گونه‌ای رفتار کنند که به حقوق و آزادی‌های افراد لطمه‌ای وارد نشود و

حرمت انسان‌ها مورد تعرض قرار نگیرد. دادستان با دارا بودن ریاست بر ضابطین دادگستری نقش موثری در راستای حمایت از حقوق متهمین ایفا می‌کند.

- مرادی و خاکپور. (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «بررسی وظایف مأمورین نیروی انتظامی به عنوان ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، بیان داشته: ضابطین قضایی را به عنوان بخشی مهم از دستگاه اجرای عدالت کیفری می‌داند که وظیفه مهم ایشان کشف جرم است. در این جا، نقش مأمورین نیروی انتظامی به عنوان ضابطین دادگستری در قانون جدید بررسی می‌شود

روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق از لحاظ ماهیت کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است. این تحقیق ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است که در روش کتابخانه‌ای، ابزار جمع آوری اطلاعات فیش برداری از منابع معتبر داخلی و خارجی می‌باشد؛ لذا در پایان نامه حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای از منابع چاپی موجود در زمینه موضوع حاضر اعم از کتاب، جزوه، مقاله، نشریه، پایان نامه‌های کار شده موجود در دانشگاهها، اینترنت، لغت نامه‌ها، فرهنگ‌ها، پژوهش نامه‌ها، اینترنت و... که در زمینه موضوع مورد بحث اطلاعاتی را ارائه داده‌اند استفاده خواهد شد.

و در روش میدانی با مراجعه به محیط تحقیق استفاده از ابزاری نظیر مصاحبه، مشاهده و فیش برداری استفاده می‌گردد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز سعی شده است داده‌های کیفی این تحقیق در محیط ضبط گردد و هرگاه بنا به دلایل خاصی امکان‌پذیر نبود، بعد از هر مصاحبه محقق بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه سعی در پیاده‌سازی داده‌ها و گفته‌ها داشته است. در

مرحله‌ی بعد این مصاحبه‌ها مطابق با اصول پیاده‌سازی در تحقیق کیفی، پیاده شده و به متن تبدیل شده است. فرایند مستندسازی داده‌ها عمدتاً از سه مرحله تشکیل شده است: ضبط داده‌ها، ویرایش داده‌ها و پیاده‌سازی. در این تحقیق سعی شده است هر سه مرحله متناسب با موضوع تحقیق رعایت شود.

در ابزار گردآوری این تحقیق از آنجایی که برای این پژوهش پرسش‌نامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت؛ لذا پژوهشگر از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده نموده است. برای ساختن این پرسش‌نامه از مبانی نظری پژوهش کمک گرفته شده است. ابزار گردآوری در تحقیق میدانی از طریق تنظیم پرسشنامه مبتنی بر مصاحبه با صاحب نظران و متخصصین امر از جمله تعداد ۵۲ نفر از کارشناسان قضایی نیروی انتظامی استان کرمان به عنوان ضابطین عام دادگستری بوده است. در تحقیق حاضر روایی صوری پرسشنامه به روش سیگمای شمارشی با نظر استاد محترم راهنما و ۴ تن از متخصصین این حوزه و دانشگاه به مقدار ۰/۸۹ بدست آمد. در این تحقیق برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه‌ها در جامعه‌ی مورد نظر توزیع و جمع‌آوری گردید و پس از وارد کردن داده‌ها، با استفاده از نرم افزار spss ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) محاسبه گردید.

یافته‌های تحقیق

- از ۵۲ فرد مورد بررسی ۱ نفر وضعیت جنسیت را مشخص نکرده بودند. از بین ۵۱ فرد پاسخگو ۹۶/۱ درصد (۴۹ نفر) مرد و ۳/۹ درصد (۲ نفر) زن هستند.

- از ۵۲ فرد مورد بررسی ۱ نفر سن را مشخص نکرده بودند. از بین ۵۱ فرد پاسخگو ۹ نفر (۱۷/۶ درصد) کمتر از ۳۰ سال، ۳۷ نفر (۷۲/۵ درصد) بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۵ نفر (۹/۸ درصد) بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن داشتند.

- با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۱ نفر (۱/۹ درصد) تحصیلات دیپلم، ۱۱ نفر (۲۱/۲ درصد) فوق دیپلم، ۳۲ نفر (۶۱/۵ درصد) لیسانس، ۶ نفر (۱۱/۵ درصد) فوق لیسانس و ۲ نفر (۳/۸ درصد) تحصیلات دکتری داشته‌اند.

آمار استنباطی

آمار استنباطی اطلاعات به دست آمده از آمار توصیفی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بر اساس تحلیل‌های انجام شده، نتیجه گیری و استنباط به عمل می‌آید و این نتیجه گیری به کل جامعه تعمیم داده می‌شود.

بررسی توزیع فراوانی وضعیت میزان دخیل ضابطین دادگستری در تأمین نظم و امنیت

جامعه

جدول (۱) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت میزان دخیل ضابطین

دادگستری در تأمین نظم و امنیت جامعه

درصد	فراوانی	میزان دخیل در تأمین نظم و امنیت جامعه
۰	۰	کم
۱/۹	۱	در حد ضرورت
۳۲/۷	۱۷	زیاد
۶۵/۴	۳۴	در حدود اجازه قانون
۱۰۰/۰	۵۲	کل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۱ نفر (۱/۹ درصد) میزان دخیل در حد ضرورت، ۱۷ نفر (۳۲/۷ درصد) زیاد و ۳۴ نفر (۶۵/۴ درصد) در حدود اجازه قانون داشته‌اند.

بررسی توزیع فراوانی وضعیت میزان موثر ضابطین دادگستری به عنوان نیروی انسانی متخصص در ارتقای سطح کمی و کیفی فرآیند رسیدگی به جرم جدول (۲) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت میزان ضابطین دادگستری به عنوان نیروی انسانی متخصص در ارتقای سطح کمی و کیفی فرآیند رسیدگی به جرم

درصد	فراوانی	میزان ارتقای سطح کمی و کیفی فرآیند رسیدگی به جرم
۳/۸	۲	کم
۳۰/۸	۱۶	زیاد
۶۵/۴	۳۴	در حدود اجازه قانون
۰	۰	عدم نیاز به ضابطین
۱۰۰/۰	۵۲	کل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۲ نفر (۳/۸ درصد) میزان ارتقای سطح کمی و کیفی کم، ۱۶ نفر (۳۰/۸ درصد) زیاد و ۳۴ نفر (۶۵/۴ درصد) در حدود اجازه قانون داشته‌اند.

بررسی توزیع فراوانی وضعیت میزان مفید بودن حضور ضابطین دادگستری در فراهم ساختن عدالت کیفری مناسب و توسعه قضایی لازم در کشور

جدول (۳) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت میزان مفید بودن حضور ضابطین دادگستری در فراهم ساختن عدالت کیفری مناسب و توسعه قضایی لازم در کشور

میزان مفید بودن حضور ضابطین دادگستری	فراوانی	درصد
کم	۲	۳/۸
زیاد	۲۴	۴۶/۲
در حدود اجازه قانون	۲۳	۴۴/۲
عدم نیاز به ضابطین	۳	۵/۸
کل	۵۲	۱۰۰/۰

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۲ نفر (۳/۸ درصد) میزان مفید بودن حضور ضابطین دادگستری را کم، ۲۴ نفر (۴۶/۲ درصد) زیاد، ۲۳ نفر (۴۴/۲ درصد) در حدود اجازه قانون و ۳ نفر (۵/۸ درصد) به عدم نیاز ضابطین را ذکر کرده‌اند.

- بررسی توزیع فراوانی وضعیت میزان موثر فرآیند رسیدگی به جرم در اولین عدم برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی، توسط ضابطین توأم بادقت، هوشیاری، نکته‌سنجی و ارتباط منظم

جدول (۴) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت میزان موثر فرآیند رسیدگی به جرم در اولین عدم برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكایی، توسط ضابطین توام بادقت،

هوشیاری، نکته سنجی و ارتباط منظم

میزان موثر فرآیند رسیدگی به جرم	فراوانی	درصد
مدارک سست و غیرقابل استناد	۱۴	۲۶/۹
عاجز ماندن قاضی از صدور رای	۲۴	۴۶/۲
بی عدالتی	۱۲	۲۳/۱
عدم تأثیر	۲	۳/۸
کل	۵۲	۱۰۰/۰

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۱۴ نفر (۲۶/۹ درصد) مدارک سست و غیرقابل استناد، ۲۴ نفر (۴۶/۲ درصد) عاجز ماندن قاضی از صدور رای، ۱۲ نفر (۲۳/۱ درصد) بی عدالتی و ۲ نفر (۳/۸ درصد) عدم تأثیر را ذکر کرده‌اند.

- بررسی توزیع فراوانی وضعیت میزان جایگاه آموزش‌های لازم برای ضابطین دادگستری

جدول (۵) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت میزان جایگاه آموزش‌های

لازم برای ضابطین دادگستری

میزان جایگاه آموزش‌های لازم	فراوانی	درصد
دیدن آموزش‌های لازم	۴۴	۸۴/۶
پیش بینی شدن قانون جدید	۸	۱۵/۴
ساکت بودن این مورد قانون	۰	۰
کل	۵۲	۱۰۰/۰

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۴۴ نفر (۸۴/۶ درصد) دیدن آموزش‌های لازم و ۸ نفر (۱۵/۴ درصد) پیش بینی شدن قانون جدید را ذکر کرده‌اند.

- بررسی توزیع فراوانی وضعیت نقش ضابطین دادگستری در پیشگیری از وقوع جرم
جدول (۵) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت نقش ضابطین دادگستری در

پیشگیری از وقوع جرم

درصد	فراوانی	وضعیت نقش در پیشگیری از وقوع جرم
۹۴/۲	۴۹	بودن یکی از مجریان سیاست جنایی پیشگیرانه و گسترش عدالت قضایی
۵/۸	۳	تأثیر اندک
۰	۰	عدم نقشی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم
۱۰۰/۰	۵۲	کل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۴۹ نفر (۹۴/۲ درصد) بودن یکی از مجریان سیاست جنایی پیشگیرانه و گسترش عدالت قضایی و ۳ نفر (۵/۸ درصد) تأثیر اندک را ذکر کرده‌اند.

- بررسی توزیع فراوانی وضعیت آشنایی ضابط قضایی نسبت به حدود آزادی‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازات‌ها در تضمین مصالح اجتماع

جدول (۶) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت آشنایی ضابط قضایی نسبت به حدود آزادی‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازات‌ها در تضمین

مصالح اجتماع

درصد	فراوانی	وضعیت آشنایی ضابط قضایی
۵۰/۰	۲۵	ضروری دانستن این امر برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری
۴۸/۰	۲۴	کامل انجام ندادن وظیفه سازمانی
۲/۰	۱	عدم نیاز به اینگونه موارد برای ضابطین دادگستری
۱۰۰/۰	۵۰	کل پاسخگو
-	۲	بدون پاسخ
-	۵۲	کل

از ۵۲ فرد مورد بررسی ۲ نفر وضعیت آشنایی ضابط قضایی را مشخص نکرده بودند. از بین ۵۰ فرد پاسخگو ۲۵ نفر (۵۰ درصد) ضروری دانستن این امر برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری، ۲۴ نفر (۴۸ درصد) کامل انجام ندادن وظیفه سازمانی و ۱ نفر (۲ درصد) عدم نیاز به اینگونه موارد برای ضابطین دادگستری را ذکر کرده‌اند.

- بررسی توزیع فراوانی وضعیت تأثیرات منفی بر سیستم قضایی کشور در کاهش اختیارات ضابطین دادگستری

جدول (۷) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت تأثیرات منفی بر سیستم

قضایی کشور در کاهش اختیارات ضابطین دادگستری

درصد	فراوانی	وضعیت تأثیرات منفی
۸۶/۵	۴۵	برقراری عدالت، نظم و انضباط اجتماعی و اخلاقی و همچنین اطمینان و اعتماد شهروندان جامعه
۱۱/۵	۶	کاهش اختیارات ضابطین دادگستری تأثیرات منفی غیر ملموس و اندکی
۱/۹	۱	مشاهده نشدن اثرات منفی
۱۰۰/۰	۵۲	کل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۴۵ نفر (۸۶/۵ درصد) برقراری عدالت، نظم و انضباط اجتماعی، ۶ نفر (۱۱/۵ درصد) تأثیرات منفی غیر ملموس و اندکی و ۱ نفر (۹/۱ درصد) مشاهده نشدن اثرات منفی را ذکر کرده‌اند.

- بررسی توزیع فراوانی وضعیت تأثیر در ارتقاء قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری

جدول (۸) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت تأثیر در ارتقاء قانون آیین

دادرسی کیفری

درصد	فراوانی	وضعیت تأثیر در ارتقاء قانون
۷۵/۰	۳۹	تأثیر خیلی زیاد
۹/۶	۵	تأثیر خیلی کم
۱۵/۴	۸	عدم ارتباط توسعه قانون آیین دادرسی کیفری به ضابطین دادگستری
۱۰۰/۰	۵۲	کل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۳۹ نفر (۷۵/۵ درصد) تأثیر خیلی زیاد، ۵ نفر (۹/۶ درصد) تأثیر خیلی کم و ۸ نفر (۱۵/۴ درصد) عدم ارتباط با توسعه قانون را ذکر کرده‌اند.

جدول (۹) توزیع فراوانی افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت نقاط ضعف در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در رابطه با ضابطین دادگستری و مامورین نیروی انتظامی در

اجرای وظایف آن‌ها

درصد	فراوانی	وضعیت نقاط ضعف
۰	۰	کامل و عاری از نقص این قانون به نوبه خود
۵۱/۹	۲۷	مانند دیگر قوانین دارای معایبی و نیاز به اصلاح دارد
۴۸/۱	۲۵	برای اصلاح معایب و نقاط ضعف نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتر است
۱۰۰/۰	۵۲	کل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین پاسخگویان مورد بررسی ۲۷ نفر (۵۱/۹ درصد) مانند دیگر قوانین دارای معایبی و نیاز به اصلاح دارد و ۲۵ نفر (۴۸/۱ درصد) برای اصلاح معایب و نقاط ضعف نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتر را ذکر کرده‌اند.

راهبردهای توانمندسازی در ساختار ضابطین دادگستری

معمولا، زیربنای پرونده‌های کیفی را اقدامات اولیه ضابطان به ویژه نیروهای انتظامی تشکیل می‌دهد. از این رو باید از یک سو در انتخاب افرادی که این امر مهم بر عهده آنان نهاده می‌شود، نهایت دقت بعمل آید و در صورت امکان از پلیس قضایی و نیروهای مسئول، آگاه و مجرب در این باره استفاده شود و از سوی دیگر، وظایف و اختیارات این ماموران به دقت از سوی قانون گذار احصاء گردد تا اعتماد شهروندان را به هنگام طرح شکایت نزد آنان و نیز اطمینان خاطرشان را آنگاه که به عنوان مظنون و متهم تحت تعقیب قرار می‌گیرند، موجب شود و در نهایت، امنیت جامعه فراهم گردد. تذکر این نکته ضروری است که «اگرچه اقدامات ضابطان باید موافق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر شده است. قانون گذار برخی از اختیارات قضات تحقیق، دادستان‌ها و قضات دادگاه‌ها را اختصاص به آنان داده و ضابطان را فاقد این توانایی‌ها شناخته است» (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۴۲)

اینکه می‌گوییم ضابطین، باید توانمند شوند، به این معنی نیست که قدرت بیشتری به ایشان داده شود. بلکه می‌بایست ضابطین دادگستری از لحاظ دانش و انگیزه خود صاحب قدرت بیشتری گردند.

در واقع توانمند سازی آزاد کردن این قدرت است. توانمندسازی ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای بهره برداری از سرچشمه توانایی‌های انسانی، که از آن استفاده کامل نمی‌شود در اختیار می‌گذارد.

در یک سازمان منسجم و هماهنگ با قانون، کارکنان نیروی محرکه اصلی به شمار می‌روند، این کارکنان هستند که با احساس هیجان، مالکیت، افتخار و احساس مسئولیت بهترین ابداعات و افکار خود را پیاده سازی می‌کنند. «از زمانی که کارکنان با گذشت زمان و در نتیجه پیشرفت سبک‌های رهبری خود را از قید و بند کار فیزیکی با مشقت و یک رئیس دیکتاتور رها کردند در دام‌های جدیدی که از مهم‌ترین آن‌ها رقابت کاری زیاد، عدم امنیت و فشارهای ناشی از گروه همکاران است گرفتار شده‌اند. مفهوم توانمند سازی چیزی بیشتر از اختیار در کار است». (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۶۵)

مدیریان و فرماندهان و مسئولین قضایی باید با به کاگیری برخی از جنبه‌های مطلوب در جهت رسیدن به اهداف سازمان فعالیت کنند، و صحت این امر توسط افراد ثالثی که درگیر مسئله قضایی هستند تایید می‌شود. (روایی: ۱۳۹۴: ۲۷).

بنابراین مشاهده می‌شود که: توانمندسازی ضابطین دادگستری مستلزم نوع متفاوتی از رفتار اخلاقی و اجتماعی توسط مسئولان قضایی و قضات دادرسی و به کارگیری ابزارهای کارگروهی و مشارکتی و سهولت دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره برداری از روابط اخلاقی دو جانبه در بین ایشان و در یک کلمه مدیریت براساس صداقت و جدیت بیشتر است. و به این دیدگاه می‌بایست نسبت به ضابطین دادگستری بیش از پیش توجه گردد.

آموزش راهکارهای برون رفت از چالش‌های ناشی از اقدامات ضابطین دادگستری
در قوانین و مقررات ایران خصوصاً قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین نظریات صاحب نظران حقوقی، راهکارهایی برای برون رفت از چالش‌های ناشی از اقدامات ضابطین دادگستری بیان شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- رعایت حقوق شهروندی توسط ضابطین دادگستری؛
- لزوم آموزش به ضابطین دادگستری و اعطاء کارت ضابطیت؛
- لزوم هماهنگی قضائی ضابطین دادگستری و اولویت اخذ دستور کتبی و لزوم قبول شکایت؛
- لزوم اعطاء مشاوره حقوقی و سایر معاضدت‌های لازم توسط ضابطان دادگستری؛
- لزوم حفظ اسرار طرفین پرونده، عدم افشای اطلاعات توسط ضابطان دادگستری؛
- عدم تفویض اختیار قانون‌گذار به ضابطان دادگستری در اخذ تأمین؛
- لزوم بازجویی اطفال و زنان توسط ضابطان دادگستری زن؛
- لزوم آگاه‌سازی ضابطان دادگستری نسبت به جرائم علیه اطفال، زنان، اشخاص بیمار و غیره؛
- لزوم انجام تحقیقات تکمیلی با دستور دادگاه توسط ضابطان دادگستری؛
- لزوم حفظ حقوق بزه‌دیده و حمایت از وی با دستور قضائی توسط ضابطان دادگستری؛
- لزوم حفظ ادله توسط ضابطان دادگستری.

بحث و نتیجه‌گیری

- پرسش اصلی: در صورت کاهش اختیارات ضابطین دادگستری چه آسیب‌هایی متوجه نظام عدالت کیفری خواهد شد؟
- فرضیه اصلی: در صورت کاهش اختیارات ضابطین دادگستری؛ نظم و امنیت اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم و امنیت اخلاقی جامعه، اجرای عدالت و همچنین اطمینان و اعتماد شهروندان جامعه دستخوش آسیب خواهد شد.

پس از مطالعه‌های انجام شده به این نتیجه دست می‌یابیم: جامعه ای که فاقد نیروی کنترل کننده باشد طبعاً نمی‌تواند امنیت و آسایش شهروندان را حفظ نماید. پس می‌توان گفت: نظم اجتماعی اقتضا پیدا می‌کند که نیرویی برای کنترل آن وجود داشته باشد و اختیاراتی که برای رعایت نظم و امنیت اجتماعی به ایشان سپرده شده است، کاهش نیابد. ضابطین ابزاری جهت اجرای قانون هستند. هرگاه نظم و امنیت جامعه به خطر افتد ابزاری لازم است که مجازات را اعمال کند و برای متجاوزین ضمانت اجراهای پیش بینی شده را اجرا نماید؛ لذا ضرورت وجودی ضابطین دادگستری برای جامعه بیش از پیش خود را نشان می‌دهد.

بنابراین فرضیه اصلی این پایان نامه که موافق کاهش اختیارات ضابطین دادگستری نمی‌باشد، به اثبات می‌رسد.

- پرسش فرعی اول: اهمیت وجودی ضابطین دادگستری در نظام قضایی کشور ما چیست؟

- فرضیه فرعی اول: وجود ضابطان دادگستری با توجه به قوانین حاکم و تحت امر کامل قوه قضائیه در نظام قضایی کشور و همچنین کمک به تأمین نظم و امنیت و اجرای هرچه بهتر عدالت، ضرورت دارد.

آنچه به وضوح قابل مشاهده است، این است که: برای دست یابی به نظام اجتماعی سازمان یافته، مقتدر و مسلط بر اوضاع و تحقق امنیت ملی و نظم اجتماعی می‌بایست سازمانی متشکل از نیروی انسانی ورزیده و مجرب و آشنا به حقوق فرد و جامعه به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی پدید آید. تا اینکه رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و تضمین مصالح فردی و اجتماعی، بیش از پیش رعایت شود. بنابراین وجود ضابطین دادگستری در کشور ما و همچنین در سیستم قضایی سایر جوامع امری مطلوب و کارآمد است.

- پرسش فرعی دوم: در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چه نوآوری‌هایی در زمینه عملکرد ضابطین دادگستری مشاهده می‌شود؟

- فرضیه فرعی دوم: تلاش برای تحقق کارایی ضابطان قوه قضائیه و ارتقاء روحیه خدمتی و تأمین معیشت و تجهیز به ابزار علمی و امکانات فنی هماهنگ با فناوری نوین تحت نظارت دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش بینی شده است.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی‌تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می‌شوند. در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانون گذار شده است.

در نظام عدالت کیفری؛ هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر، رعایت حقوق افراد «بزه دیده و متهم» در فرایند رسیدگی کیفری است. اگر چه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور سنتی مدت‌ها این توازن را به سود حقوق جامعه بر هم زده است، آیا زیاده روی در مورد پیش بینی برخی حقوق متهمان، بدون در نظر گرفتن سازوکارهای لازم برای اجرای آن، سنجیده است؟

از سوی دیگر، برخی تحولات مثبت کشورهای دیگر که به توافقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا در این مرحله انجامیده مورد نظر قانون

گذار قرار نگرفته است. موفقیت در اجرای مقررات جدید، نیازمند رفع پاره‌ای از موانع و مشکلات است. نخست، قانون گذار در مورد تحولات مورد اشاره از حقوق مقایسه‌ای و دستاوردهای آن به ویژه نظام حقوق فرانسه، استفاده بسیاری کرده است. ولی استفاده از مطالعات مقایسه‌ای می‌تواند با چالش‌های بسیاری همراه باشد. در این باره می‌توان به مشکلات زبانی به ویژه هنگامی که با توجه به واژگان خارجی معانی متفاوت آن‌ها آشکار می‌شود اشاره کرد.

در پژوهش‌های مقایسه‌ای باید ویژگی‌های تخصصی نظام‌های حقوقی و واقعیت‌های جامعه شناختی را که مبنای آن‌ها را تشکیل می‌دهد مورد توجه قرار داد. در واقع، آیین دادرسی کیفری، ترجمان فرهنگ یک کشور است و نمی‌توان یک نهاد خارجی را به طور کامل وارد نظام حقوقی خود کرد بلکه تنها می‌توان به پاره‌ای از تجربه‌های سایر کشورها رجوع کرد.

دوم، جامعه عمل پوشاندن به این نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آن‌ها هنوز توجه کافی نشده است. تدوین آیین نامه‌های اجرایی مربوط، آموزش ضابطان با هدف آشنا ساختن آنان با نوآوری‌های قانون جدید، ایجاد فرهنگ سازی برای ضابطان و مقام‌های دادرسی در راستای پایبندی به قانون مندی و پرهیز آنان از عدم اجرای این نوآوری‌ها، شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است.

- راهکارهای نظری و عملی در راستای رفع آسیب‌های ناشی از اقدامات ضابطین دادگستری

- راهکارهای نظری:

- ۱) شخصیت سازی در کارکنان «ضابطین» به منظور تحقق اصول اعتماد سازی و صمیمیت و صداقت بین ضابطین و مسئولین و مردم؛
- ۲) آگاهی ضابطین از شرح وظایف و مسئولیت‌های سازمانی؛
- ۳) خوشایندسازی محیط کار.
- ۴) کاهش فشار روانی سلسله مراتب فرماندهی بر کارکنان «ضابطین».
- ۵) حمایت قضایی و تأمین امنیت شغلی آنان.
- ۶) ایجاد موقعیت‌های مناسب جهت ارتقای شغلی کارکنان.
- ۷) بهینه سازی فرآیندها و شیوه‌های کار.
- ۸) اصل شایسته سالاری رعایت گردد و ضوابط بر روابط حاکم شوند.
- ۹) در برنامه ریزی‌ها و تصمیم گیری‌ها، از سایر کارکنان ضابط، نظر سنجی به عمل آید.
- ۱۰) افزایش روحیات و تعلق سازمانی.
- ۱۱) رشد فکری کارکنان و برجسته سازی ایده‌های نوین و خلاقانه آنها در جهت اعتلای اهداف سازمانی پیش رو.

راهکارهای عملی

- گزینش و بکارگیری افرادی به عنوان ضابط قضایی که با انگیزه و عشق خدمت به مردم وارد عرصه کار شوند، از سلامت جسمانی و روحی و روانی لازم برخوردار باشند، آموزش‌های لازم را طی کرده باشند و دارای صلاحیت مکتبی و امنیتی باشند.

- دانش و مهارت حقوقی و قضایی کافی را کسب نمایند.
- نظارت و تعلیمات مستمر دادستان و سایر مقامات قضایی بر رفتار و کردار و عملکرد آنها وجود داشته باشد.
- تحت نظارت مستمر و آموزنده رده‌های نظارتی سازمان متبوعه باشند.
- ادامه تحصیل بالاخص تحصیلات تکمیلی برای ضابطین مقدرور و امکانات آن فراهم باشد.
- همایش‌ها، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی در زمینه ارتقاء مهارت‌های ضابطین به صورت مستمر (روزانه، هفتگی، پانزده روزه، ماهیانه، فصلی، سالیانه، و...) برگزار و نتایج آنها نیز اخذ و مورد ارزیابی واقع گردند.
- مشکلات سازمانی از جمله بحث جایگاه شغلی، ترفیعات، اضافه کار، مسکن، ایاب و ذهاب، رضایت شغلی، ازدواج، انتقالات سراسری، مرخصی‌های به موقع، تشویقات و تنبیهات عادلانه و... مرتفع گردد.
- مشکلات سازمانی از جمله کمبود خودرو و منابع انسانی و منابع اعتباری و... رفع گردد. اعتماد و صمیمیت بین ضابطین و فرماندهان و مقامات قضایی برقرار گردد.
- در صورت بروز مشکلات غیر عمدی برای ضابطین، حمایت‌های سازمانی و قضایی به عمل آید.
- بحث معاضدت‌های قضایی، بیمه‌های مسئولیت و حوادث برای ضابطین به صورت تکمیلی در نظر گرفته شود.
- بازدیدهای مترقبه و غیر مترقبه از ضابطین، توسط مسئولین قضایی و سازمانی به عمل آید.

منابع

- اخوندی، محمود. (۱۳۹۰)؛ آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ سیزدهم.
- اسماعیل زاده، یوسف، تقی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳)؛ بررسی تأثیر ضابطین دادگستری بر حقوق شهروندی با تبیین مسئولیت‌های مدنی، فصلنامه دانش انتظامی، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۲ (مسلسل ۴۷)؛ از صفحه ۸۷ تا صفحه ۱۳۰.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۱). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ویرایش سوم، انتشارات سمت چاپ شانزدهم.
- انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۸۰)؛ فرهنگ لغت فارسی یک جلدی، نشر آذین، تهران.
- اکبری، مژگان. (۱۳۹۰)؛ نقش دادستان در تحقق دادرسی منصفانه با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باهنر کرمان.
- ترابی، احمد. (۱۳۹۰)؛ آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- پورحسینی، محمدجواد، عبداللهی، سامان، سفیدی، سپیده. (۱۳۹۵)؛ نقش ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی حق گستر، ۹۵/۱/۳
- حییم، سلیمان. (۱۳۸۰)؛ فرهنگ بزرگ فارسی - انگلیسی حییم، ج ۱۲، نشر سامان، چاپ دهم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۰)؛ ترمینولوژی حقوق، انتشارات میزان، تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۸)؛ لغت نامه دهخدا، ج ۳۱، نشر آرزین، تهران.
- رضوی، محمد. (۱۳۹۲)؛ نقش نیروی انتظامی بعنوان ضابط عام دادگستری در امور کیفری، انتشارات فرهنگی اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

- سیاح، علی. (۱۳۸۹)؛ فرهنگ جامع، چاپ دوم، انتشارات آرمان نو، تهران.
- سلطانی، شهرام، سادات باریکانی، امیر رضا. (۱۳۹۳)؛ نکاتی که لازم است ضابطین دادگستری بدانند. نشر مقالات حقوقی دادگستر.
- شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی. (۱۳۹۳)؛ تخصصی کردن ضابطین گاهی به سوی حقوق کیفری قراردادی فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۳.
- عمید، حسن. (۱۳۸۴)؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۸، چاپ چهارم، تهران نشر آرین.
- عباسلو، بختیار. (۱۳۸۹)؛ مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- فتحعلیان، ایوب. (۱۳۹۳)؛ بررسی نقش ضابطین و ارتباط آن با مراجع قضایی در پیشگیری از وقوع جرم پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد شاهرود.
- قاسم پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷)؛ ضابطین قوه قضائیه و وظائف آنان، انتشارات خرسندی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، تهران.
- مهابادی، علی اصغر. (۱۳۸۹)؛ ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۶، ۱۳۸۹.
- مرادی، یوسف، خاکپور، حسین. (۱۳۹۶)؛ بررسی وظایف مأمورین نیروی انتظامی بعنوان ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، همایش ملی حقوق و علوم جزا، تهران.
- وروائی، اکبر و بهرامی پور، رسول. (۱۳۹۴)؛ الزامات ضابطین دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران، مجله کارآگاه دوره دوم سال هشتم شماره ۳۲، پاییز ۹۴.

- هدایتی، محمدعلی. (۱۳۸۸)؛ آئین دادرسی کیفری، انتشارات خرسندی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، تهران.